

فیلمی که جوایز را درو کرد

نسخه «اید و یک روز» به شبکه نمایش خانگی راه پیدا کرد. اگر از جمله سینمادوستانی هستید که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته، یا در طول اکران این فیلم، فرصت تماشای پدیده جشنواره پارسال را پیدا نکرده‌اید، الان بهترین فرصت است. می‌توانید روایت سعید روستایی از زندگی یک خانواده در جنوب شهر تهران را تماشا کنید و بازی خوب نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، شبنم مقدمی، پیمان معادی و... را ببینید. خوبی‌اش این است که خیالتان راحت است که فیلم خوبی می‌بینید و ریسک کمتری شامل حالتان می‌شود. دیدن آن برای بچه‌ها چندان مناسب نیست و بهتر است در ساعت‌هایی آن را تماشا کنید که کودکان دوروبر شما نیستند.

یکشنبه ● ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ ● شماره نود و یک

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

۱۰ اسکاری ترين خبر +



کناره‌گیری از مراسم

پس از آنکه رئیس‌جمهور تازه آمریکا برای هفت کشور مسلمان خط‌نشان کشید،ابتدا ترانه علی‌دوستی اعلام کرد که به مراسم اسکار نمی‌رود و سپس اصغر فرهادی در نامه‌ای توضیح داد که او هم ترجیح می‌دهد اتفاق ویژه‌ای شامل حالش نشود و به امریکا نرود.کناره‌گیری این‌دواز مراسم اسکار، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت.خارجی‌ها آن را به‌موضع حقوق بشری نسبت دادند و داخلی‌ها از مناسبات بین‌المللی نوشتند. این داستان آنقدر پررنگ شد که حجت‌الله ایوبی در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر گفت: «موجب افتخار است که یک‌بانوی ایرانی اسکار را تحریم کرد.»

۱۱ بیمارستانی‌ترین



مهناز افشار به خانه بازگشت

پنج‌شنبه هفته گذشته، در شرایطی که خبرهای جشنواره داغ بود، ناگهان خبر بستری شدن مهناز افشار در بیمارستان به گوش رسید. به خاطر احساس درد و فشار در قفسه سینه او را به بیمارستان منتقل کردند. چند ساعت بعد مهناز افشار با انتشار دو فایل صوتی هم از حال بهتر خود خبر داد و هم از مردم تشکر کرد. او گفته حالش خوب است و ترجیح می‌دهد به خانه برود و کنار خانواده‌اش باشد تا اینکه در بیمارستان بماند. او در بخش دیگر صحبت‌هایش از پرسنل بیمارستان و دعای خبر مردم تشکر کرد.

۱۲ غم‌انگیزترین خبر +



حسن جوهرچی از دنیا رفت

بدون هیچ سروصدایی، پیش از آنکه فکرش را بکنیم یا حتی گوشه‌ای از ذهنمان بدانیم که حال حسن جوهرچی خوب نیست،او در نیمه‌های شب پنج‌شنبه به بیمارستان رفت و در نخستین ساعت‌های روز جمعه به دلیل ایست قلبی چشم به روی این دنیا بست. خبر در گذشت او را مهدی امینی‌خواهد صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد وعلی‌دهکردی نیز این خبر را تایید کرد.حسن جوهرچی چندی پیش نیز به دلیل این عارضه در بیمارستان شهید چمران بستری بود و پس از چند روز به منزلش منتقل شده بود.در بخش پایین صفحه‌مهم‌ترین حضورش در سینما و تلویزیون را مرور می‌کنیم.

حاشیه‌های نیمه نخست جشنواره فیلم فجر

انتظار طولانی برای یک پدیده



نگاه‌آدمی وارد قضیه می‌شویم که باید با او حرکت کنیم. خیلی سخت بود که برشی این چینی از تهران بسازیم، البته همه تصاویر از قبل استوری‌برد داشتند.»

روزهای دفاع مقدس

نخستین فیلمی که داستان خود را از روزهای دفاع مقدس وام گرفت و به نمایش درآمد، فیلم سینمایی «ویلائی‌ها» بود. فیلمی به کارگردانی منیر قیدی که نخستین تجربه کارگردانی‌اش را پشت سر می‌گذاشت و احتمالاً به همین خاطر بود که نشست نقد و بررسی فیلم با صحبت‌های ثریا قاسمی آغاز شد. بازیگر کهنه‌کار این فیلم در

آنگدگی صیپر

هنوز برای جمع‌بندی زود است، تازه به میانه‌های جشنواره رسیدهایم، هنوز نیمی از فیلم‌های مهم را ندیده‌ایم و هنوز مشخص نیست که چه کسانی ما را نوق زده خواهند کرد. تا اینجا می‌دانیم که در فهرست ده فیلم برتر از نگاه تماشاگران، فیلم‌های متفاوتی حضور دارند. می‌دانیم که فیلم‌های «قاتل اهلی» و «آز» به دلیل حضور دیر هنگامشان در بخش آرای مردمی نیستند، اما ده فیلم برتر در ابتدای راه از این قرارند: «آزوا»، «بیست‌ویک روز بعد»، «فصل نرگس»، «ماجرای نیمروز»، «بدون امضا»، «گشت ۲»، «ویلائی‌ها»، «آباجان»، «خوب، بد، جلف» و «سد معبر».

«دیر روز، امروز، فردا»

|||||| ● دلارام مجد ● |||||||

شهرت با «در پناه تو»

اما وقتی از شهرت صحبت می‌کنیم، بدون شک باید از سریال «در پناه تو» بنویسیم، سریالی جوان‌پسند که برای نخستین بار عشق جوانانه را در تلویزیون به تصویر کشید. یک مثلث عاشقانه که حمید لیکنده آن را کارگردانی کرد و لعیا زنگنه، رامین پرچمی و حسن جوهرچی جوانان این سریال بودند. سریالی که به‌سرعت تبدیل به پرطرفدارترین سریال تلویزیون در آن دوران شد و دهه شصتی‌ها به‌خوبی تک‌تک تصویرهای آن را به یاد دارند. البته تکرارهای این سریال را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که بارها از شبکه‌های تلویزیونی دیگر پخش شد اما برای اولین مرتبه در سال ۱۳۸۷ و از شبکه دو سیما نمایش داده شد.



کتینو | ۰۷

۱۳ سریالی‌ترین



روزهای شلوغ هنرمند

محمدرضا هنرمند این روزها به‌عنوان یکی از داوران بخش سودای سیمرغ جشنواره در حال تماشای فیلم‌های بخش مسابقه است، اما در همین حین خبر می‌رسد که ساخت سریال «آلف و ریث» را نیز پذیرفته و پس از هفت سال‌دوری از تلویزیون دوباره به این رسانه بازمی‌گردد تا سریالی کم‌دی سازد. خط اصلی داستان زندگی خانواده‌ای است که در بستری طنز و با روابط کمیک روایت می‌شود. ژانری که همیشه در تلویزیون جواب خوبی گرفته است، هنوز باز یگران آن مشخص نشده‌اند و به مرحله پیش تولید نرسیده، اما فیلم‌نامه را حامد افضل‌نوشته و زینب تقوایی تهیه‌کننده آن است.

فیلم دیگر که روزهای دفاع مقدس را دست‌مایه قرار داده است، «آیا جان» است. فیلمی که هاتف علیمردانی آن را کارگردانی کرده و از زندگی واقعی‌اش وام گرفته است. «به نوعی این فیلم برای من ادای دین است. من در رنجان زندگی کرده‌ام و مدرسه‌ای که در فیلم منفجر می‌شود، مدرسه بجگی من است. بسیاری از هم‌کلاسی‌هایم در آن اتفاق شهید شدند.» اما در طول داستان، ما مدام داستان‌های فرعی می‌بینیم و خرده‌پیرنگ‌های فراوان، آنچه از نظر مخاطب بسیار زیاد است، اما کارگردان چنین اعتقادی ندارد: «قصه‌های کوچک قصه‌های بزرگ را می‌سازند و این‌ها به هم متصل‌اند. زمانی که از دهه شصت حرف می‌زنیم، نمی‌توان عشق‌های ممنوع را نادیده بگیریم.»

بدون «نگاه‌نو»

یکی از مهم‌ترین تغییرات در جشنواره امسال، حذف بخش «نگاه نو» است. بخش به‌ساخته‌های کارگردان‌های جوان اختصاص داشت و نخستین آثار سینمایی آنها را بررسی می‌کرد. با حذف این بخش، اصلی‌ترین فیلم‌های جوانان به بخش مسابقه سودای سیمرغ وارد شده و برخی دیگر نیز فرصت حضور در جشنواره را از دست داده‌اند. به همین خاطر است که یکی از موضوعات ثابتی که از زبان کارگردان‌های فیلم‌اولی شنیده می‌شود، تاکید بر تجربه‌های پیشین آنهاست. آنچه از زبان منیر قیدی کارگردان «ویلائی‌ها» شنیدیم، هم رقیه توکلی کارگردان «مادری» به زبان آورد و هم مرتضی علی عباس میرزایی کارگردان «آزوا»، نکته جالب این‌جاست که عباس میرزایی در همان ابتدای نشست خبری فیلمش گفت: «با جمعی از فیلم‌اولی‌ها پیش از جشنواره جلسه‌ای داشتیم و با هم قرار گذاشتیم که ما فیلم‌اولی‌ها به تماشای آثار هم بنشینیم و یکدیگر را در این راه حمایت کنیم.» او ادامه داد: «با اینکه این فیلم اولین ساخته بلند من است، اما خودم را فیلم‌اولی نمی‌دانم چون سال‌ها فیلم کوتاه ساخته‌ام و اصولاً فیلم‌اولی را کسی می‌دانم که اصلاً دکوپاژ انجام نداده باشد.» رقیه توکلی گفت: «من بزدی هستم و تمام فیلم‌های کوتاه‌هم را در شهر یزد ساخته‌ام. اگر من در شهرم فیلم نسازم، چه کسی می‌خواهد فیلم بسازد؟ در این فیلم درگیر جاذبه‌های توربستی شهر یزد نشدم و سعی کردم قصه را دنبال کنم. صادقانه می‌گویم از ساخت فیلم بلند ترس داشتم و همه می‌گفتند اگر فیلم اولت را خوب نسازی، نگاه سینما به تو عوض خواهد شد و از این مسئله واقعا می‌ترسیدم. فیلم «مادری» فیلمی عاشقانه و زنانه است و فضایی احساسی را می‌طلبد.»

«آبی» و ستاره بودن

جوهرچی در همان دهه هفتاد تبدیل به چهره‌ای سینمایی هم شد، او با بازی در فیلم «آبی»، باز هم به کارگردانی حمید لیکنده، این بار به‌عنوان ستاره‌ای تمام‌عیار به سینما بازگشت. داستان از این قرار بود که دو جوان به خاطر لجبازی ازدواج می‌کنند و در این مسیر ملام با همدیگر دعوا و درگیری دارند. در کنار جوهرچی، هدیه تهرانی و بهران رادان نیز حضور داشتند که در حقیقت نقش‌های اصلی را بازی می‌کردند. اما در آن زمان، تصویرهای جوهرچی همچنان بیشتر از بازیگران اصلی دست‌به‌دست می‌شد. اتفاقی که نشان می‌داد جوهرچی در پایان دهه هفتاد، همچنان محبوبیت خود را حفظ کرده است.

از سینما

● نگارمفید ● |||||||

در حوالی بلشوی زندگی روزمره

سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر، چند روز زودتر از قاعده همیشگی‌اش آغاز به کار کرد. اتفاقی که باعث شد برخی افراد هنوز که هنوز است تاریخ‌های ذهنی‌شان با واقعیت مطابقت پیدا نکند، به هر حال عادت ذهنی است دیگر، عادت می‌کنی روز اول جشنواره را ۱۲ بهمن‌ماه فرض کنی و از آن روز به بعد تاریخ روزها را بی‌بگیری. به‌جز این مورد، جشنواره سی و پنجم به روال عادی و طبیعی جشنواره‌های گذشته پیش رفت. از نخستین روز، آرای سینماهای مردمی شمرده شد، از نخستین روز نشست‌های خبری پرحاشیه برگزار شد و از نخستین روز گردهمایی بزرگ سینماگران و سینمادوستان شکل گرفت تا چراغ جشنواره سی و پنجم روشن باشد و روشن بماند. اما در این بین، در میان تمام اتفاق‌هایی که هر ساله مثل آیین و سنت ادای می‌شوند، برخی اتفاقات ریزودرشت داستانی به یادگار می‌مانند که صرفاً در این جشنواره تجربه شده‌اند. در این متن این موارد را مرور می‌کنیم اما حواستان باشد، خط لورفتن داستان برخی از فیلم‌ها در این متن وجود دارد.

رد پای اصغر فرهادی

هرچند اصغر فرهادی در جشنواره سی و پنجم فیلمی نداشت و تازه‌ترین اثرش این روزها در هیاهوی «اسکار» به سر می‌برد، اما آن چنان ردپای پررنگی در فیلم‌های امسال از او دیده می‌شود که نمی‌توان از حضور نداشتنش نوشت. نمونه‌اش فیلمی مثل «بدون تاریخ، بدون امضا» به کارگردانی وحید جلیلود که دست‌کم با ارجاعات مستقیم ادای استقلال در نمی‌آورد. داستان از یک تصادف آغاز می‌شود و همان‌طور پیش می‌رود. نیمه فیلم که می‌گذرد، رد پای داستان فرهادی پررنگ می‌شود. اما دلیل اصلی ساخت این فیلم از زبان کارگردانش رسیدن به یک پرسش اخلاقی است که با سینمای فرهادی تفاوت دارد. جلیلود در نشست خبری فیلمش پد خبرنگاران گفته است: «این مسئله ممکن است برای هرکسی اتفاق بیفتد، اما آیا ما هم کاری که کاوه نریمان کرد، انجام می‌دهیم و پول و آبرویمان را برای اینکه یک پدر زجر نکشد، به حراج می‌گذاریم؟» زجر پدر از یک اتفاق بد حاصل می‌شود. از مرغ‌هایی که کشتار نشده‌اند و به قیمت اندک فروخته می‌شوند و پدر آنها را سر سفره خانواده‌اش می‌آورد. دوربین در ابتدای فیلم مثل یک روایتگر بی طرف اجتماعی وارد صحنه می‌شود و داستانی تلخ را به زبان می‌آورد و سپس از کنار دستاوردش می‌گذرد. به همین خاطر ناراحت‌کننده است. بازیگران اصلی فیلم امیر آقایی، نوید محمدزاده و هدیه تهرانی هستند.

زندگی و آدم‌هایش

اما ردپای فرهادی در جشنواره ۳۵، به همین سادگی و با یک فیلم احساس نمی‌شود. روی دیگر این تأثیر را در فیلم‌هایی باید دید که بلشجوی زندگی روزمره را تصویر کرده‌اند و خط داستانی پررنگی ندارند. قصه‌شان پیش نمی‌رود و در همان محدوده خانواده باقی می‌مانند. در یک مثال ساده، می‌توان از «آیا جان» نوشت که تازه‌ترین اثر هاتف علیمردانی است. او این بار داستانی تاریخی را روایت می‌کند و به دل خانواده‌ای می‌زند که در روزهای جنگ با همدیگر درگیر هستند. خانواده‌ای که زیر سایه فاطمه معتمدآریا با همان آیا جان زندگی می‌کند. می‌دانید بهترین ویژگی فیلم چیست؟ مدت زمان ۷۵ دقیقه‌ای‌اش. در فیلمی دیگر، «ویلائی‌ها»، باز هم بلشوی روزمره را می‌بینیم در دل روزهای دفاع مقدس. در کنار زنانی که در انتظار همسرانشان هستند، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به امید بازگشت همسرانشان به مدت یک شب با نصفه روز از خط مقدم زندگی می‌کنند.

شعارهای قشنگ

در جشنواره امسال شعارهای قشنگی هم در فیلم‌ها دیده می‌شود، شعارهایی مثل آسمان آبی و زندگی زیبا. اما تمام آنها از دل تلخی و ناامیدی است. فیلم‌ها آنقدر داستان‌های غم‌انگیزی دارند که نمی‌شود چشم‌روی آنها بست، آنقدر که فیلمی مثل «نگار» با محتوایی متفاوت و قصه‌ای کاملاً متفاوت می‌تواند ما را به روزهای خوش سینمای فانتزی ببرد. در این میان، اجازه دهید توضیح دهیم که اگر در سال‌های آینده، در زمینه جلوه‌های ویژه و بدل‌کاری در سینما به اتفاقی بزرگ برخورد کردید، بدانید که از همین فیلم شروع شده. از فیلمی که رامبد جوان ساخت و تصویرهای زودخورش یکی از بهترین تصویرهاست و حسایی دل آدم را خنک می‌کند.